

برخی واژگان نظامی انگلیسی متداول در ارتش ج.ا.ا و سایر نیروهای مسلح و

معادل واژه فارسی جایگزین آنها - در دفتر اول - فرهنگستان زبان و ادب فارسی

قدرت‌الله پیرزادفرد^۱

تعداد ۶۵ واژه که به شرح زیر در نشست جلسات واژه‌گزینی ستاد کل ن.م.م طرح و در فرهنگستان زبان و ادب فارسی مورد بحث و بررسی واقع و در فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان - دفتر اول - ثبت و منتشر گردیده است. امید است با بکارگیری معادل‌های مصوب واژه‌ها، در اسناد، مدارک، مکاتبات، متون تألیفی و ترجمه‌ای مورد توجه اساتید و دانشجویان و سایر علاقه‌مندان قرار گرفته و گروه واژه‌گزینی و فرهنگستان را در ادامه تلاش خود مصمم‌تر نمایند.

این واژگان برای اطلاع و استفاده علمی در فصلنامه شماره ۱۰ علمی و ترویجی دافوس آجا ارائه شده است. به یاری خداوند دومین مرحله از فرهنگ واژه‌های نظامی مصوب در فصلنامه‌های بعدی در اختیار علاقه‌مندان قرار خواهد گرفت.

واژه‌های مصوب دفتر واژه‌گزینی س.ک.ن.م و فرهنگستان زبان ادب فارسی
دفتر اول - گروه واژه‌گزینی

ردیف	واژه بیگانه	واژه مصوب فرهنگستان	ملاحظات
۱	ACOUSTIC mine	مین صوتی	
۲	Adjutant	آجودان	
۳	Adjutant generals corps	کارگزینی	
۴	Anti-airborn mine	مین ضد هوایرد	
۵	Antipersonnel mine	مین ضد نفر	
۶	Antitank mine	مین ضد تانک	
۷	Arch - arch finger print arch finger print ,arch	اثر انگشت کمانی، کمانی	
۸	Battle dress	برپوش	
۹	bleachers	پلکانی	
۱۰	Bomb	بمب	
۱۱	Bottom mine	مین کف‌نشین	
۱۲	Bounding mine	مین جهنده ضد نفر	
۱۳	breechblock	بستار	
۱۴	chaff	خاشه	
۱۵	Chemical bomb	بمب شیمیایی	
۱۶	Chemical mine	مین شیمیایی	
۱۷	Cluster bomb	بمب خوشه‌ای	
۱۸	commando	تکاور	
۱۹	Controlled mine	مین دورفرمان	
۲۰	dart	آماج	
۲۱	Delayed action bomb	بمب تأخیری	
۲۲	Delayed action mine	مین تأخیری	
۲۳	Depth bomb	بمب زیرآبی	



مین تمرینی	Drill mine	۲۴
اثر انگشت	Finger print	۲۵
بمب آتش‌زا	Fire bomb	۲۶
مین فوگاز	fougasse	۲۷
سان پوش	French tunic	۲۸
ساق پوش	Gaiter	۲۹
بمب هیدروژنی	Hydrogen bomb	۳۰
مین بی‌اثر	Inert mine	۳۱
پلیس بین‌الملل	interpol	۳۲
شان‌آویز	lanyard	۳۳
اثر انگشت حلقه‌ای، حلقه‌ای	Loop - loop finger print loop finger print ,loop	۳۴
مین	mine	۳۵
مین مهارشده	Moored mine	۳۶
بمب ناپالم	Napalm bomb	۳۷
بمب نوترونی	Neutron bomb	۳۸
بمب اعلامیه‌ای	Notice bomb	۳۹
بازآمد	Overhaul	۴۰
هم پوشانی ، هم پوشی	Overlap	۴۱
بمب چتردار	Para bomb	۴۲
بمب درخشی	Photoflash bomb	۴۳
باران‌گیر	Poncho	۴۴
مین مشقی	Practice mine	۴۵
رادار	Radar, radio detection and ranging radio detection and ranging _ Radar	۴۶
برد	Range	۴۷

	نجات	rescue	۴۸
	مین پخشی	Scatterable mine	۴۹
	بمب پاشان	Scatter bomb	۵۰
	رزم‌نامه	Scenario	۵۱
	تندخیزی	Scramble	۵۲
	ایستگاه	Site	۵۳
	سرعت یاب	Speed gun	۵۴
	راهبردی	Strategic	۵۵
	راهبرد شناس ، راهبردار	Strategist	۵۶
	راهبرد	Strategy	۵۷
	سرعت‌نگار	Tachograph	۵۸
	تانک	tank	۵۹
	تیرنشان	Target	۶۰
	بمب ساعتی	Time bomb	۶۱
	مین آموزشی	Training mine	۶۲
	اثر انگشت پیچشی ، پیچشی	Whorl - whorl finger print whorl finger print ,whorl	۶۳
حمل و نقل هوایی	چتر، چتر نجات	Parachute	۶۴
حمل و نقل هوایی	چتر بال	Para glider	۶۵

فرهنگ واژه های مصوب فرهنگستان - دفتر اول

COUSTIC mine

مین صوتی

مینی که با امواج منتشر شده از هدف منفجر شود.

Adjutant

آجودان

افسری که فرماندهان عالی رتبه را در امور مختلف، برای پیشبرد وظایف آنان یاری می کند.

Adjutant generals corps

کارگزینی

بخشی از ستاد نیروهای مسلح که مجری طرح های مربوط به مدیریت نیروهای انسانی است.
توضیح: واژه "کارگزینی" مصوب فرهنگستان اول است.

Anti-airborne mine

مین ضد هوابرد

مینی که در محل های احتمالی پیاده شدن نیروهای هوابرد کار گذاشته شود.

Antipersonnel

مین ضد نفر

مینی برای وارد کردن تلفات و ضایعات به افراد پیاده دشمن و ناتوان کردن آنها

Antitank

مین ضد تانک

مینی که تانک را از تحرک بیندازد یا باعث انهدام آن شود.

Arch

اثر انگشت کمانی، کمانی

نوعی اثر انگشت که خطوط آن از یک طرف وارد می‌شود و به صورت قوس یا کمان از طرف دیگر خارج می‌شود.

Battle

برپوش

لباس نظامی کوتاه که بالاتنه را می‌پوشاند و در کمر جمع می‌شود.

bleachers

پلکانی

سکوهای بدون سقف و قابل حملی که برای آموزش عملی نظامی در محیط باز به کار رود.

Bomb

بمب

جنگ‌افزاری حامی یک ماده منفجره شیمیایی یا میکروبی یا هسته‌ای که معمولاً با هواپیما پرتاب می‌شود.

Bottom

مین کف‌نشین

مینی که پس از رها شدن از ناو یا زیردریایی یا هواپیما در کف دریا قرار گیرد و دارای حسگرهای عمل‌کننده از نوع مغناطیسی و صوتی و فشاری باشد؛ این نوع برای انهدام شناور سطحی و زیرسطحی به کار می‌رود.

Bounding

مین جهنده ضد نفر

نوعی مین ضد نفر با خرج کوچکی که بدنه مین را به هوا پرتاب کند و موجب شود مین در ارتفاع سه یا چهار فوتی منفجر و قطعات آن در کلیه جهتها پرتاب شود.

brechblock

بستار

وسیله‌ای برای مسدود کردن عقب لوله توپ یا هویتزر بعد از خرج‌گذاری

chaff

خاشه

براده یا نوارهای فلزی باریکی که در آسمان رها شود و در رادار دشمن اختلال ایجاد کند و او را از نظر هدف‌یابی فریب دهد.

Chemical

بمب شیمیایی

بمبی حاوی یک عامل شیمیایی مانند گاز جنگی یا پرده دود یا ماده آتش‌زا

Chemical

مین شیمیایی

مینی محتوی مواد شیمیایی سمی برای کشتن افراد یا از کار انداختن یا آلوده کردن وسایل یا زمین.

Cluster

بمب خوشه‌ای

بمبی شامل تعداد زیادی بمبهای کوچک که هنگام فرود در منطقه وسیعی پراکنده شوند و دارای زمان انفجار متغیر باشند.

commando

نکاور

سرباز یا افسر یا درجه‌داری که پس از پذیرفته شدن در آزمایش ورودی، آموزش خاصی را برابر برنامه تفصیلی با موفقیت بگذرانند؛ این دوره آموزشی شامل نقشه‌خوانی، کار با قطب‌نما، اطلاعات رزمی، ارتباط و مخبرات، زنده ماندن در شرایط سخت، گریز و فرار، تخریب و جنگ مین و عملیات در جنگل و کوهستان و دریاست.

Controlled mine

مین دورفرمان

مینی که از ایستگاه فرمان راه دور هدایت و منفجر شود.

dart

آماجچه

هدف تمرینی و هوایی که به وسیله هواپیما در منطقه تیراندازی ضدهوایی قرار می‌گیرد و پدافند زمین به هوا و هواپیما آن را هدف قرار می‌دهند.

Delayed action bomb

بمب تأخیری

بمبی مجهز به ماسوره تنظیم شده که خرج را در زمانی معین و بعد از تماس با هدف منفجر کند.

Delayed action mine

مین تأخیری

مینی که مدتی بعد از تحریک شدن منفجر شود و اغلب پشت سر نیروهای عقب‌نشینی کننده و برای به ستوه آوردن و انهدام نیروهای تعقیب کننده دشمن به کار می‌رود.

Depth bomb

بمب زیرآبی

بمبی با ماسوره‌های هیدروستاتیکی که با فشار آب در عمق عمل کند و علیه هدفهای زیرآبی به کار رود.

Drill mine

مین تمرینی

نوعی مین آموزشی که به لحاظ اندازه و شکل و وزن مشابه مین جنگی است و برای تمرین‌های لجستیکی استفاده می‌شود.

Finger print

اثر انگشت

خطوط و شیارهای خاص انگشتان دست یا پا که به هنگام لمس کردن اشیاء روی آنها باقی می‌ماند و در افراد تفاوت دارد.

Fire bomb

بمب آتش‌زا

بمبی پر شده با مخلوطی از بنزین ژلاتینی شده و مجهز به یک چاشنی

fougasse

مین فوگاز

مینی که محض انفجار آن قطعات فلزی یا سایر اشیاء در جهت‌های پیش‌بینی شده پرتاب شود.

French tunic

سان‌پوش

کت نظامی با دکمه‌های فلزی که معمولاً روی آن کمر بند چرمی یا حمایل بسته می‌شود و عموماً در تشریفات و مراسم رسمی استفاده می‌شود.

Gaiter

ساق‌پوش

پوششی از جنس چرم یا جیر که قسمت پایین ساق و بالای کفش را می‌پوشاند.

Hydrogen bomb

بمب هیدروژنی

بمبی که از یک بمب اتمی و مجموعه‌ای از عناصر سبک تشکیل شده باشد و در آن از شکافت عناصر سبک به عنوان منبع انرژی استفاده شود.

مین بی اثر

Inert min

نوعی مین آموزشی که به لحاظ اندازه و شکل و وزن شباهت مین جنگی، اما کلیه مواد منفجره و آتشزای آن بی اثر باشد.

پلیس بین الملل

interpol

اتحادیه همکاری بین المللی که بر اساس تشریک مساعی و همکاری متقابل دولتها برای مبارزه با جرایم و مجرمین بین المللی و برقراری نظم و امنیت عمومی کشورها و استقرار عدالت تأسیس شده است و کشورهای عضو آن اطلاعات خود را در مورد جرایم، بدون درگیر شدن با موضوعات سیاسی و تشریفات اداری، مبادله و به یکدیگر کمک می کنند.

شان آویز

lanyard

قیطان بافته شده در رنگهای مختلف که به هر یک از دو سر رشته های آن قطعه ای سربی دوخته شده است و روی شان چپ یا راست لباس نظامی بسته می شود.
توضیح: این واژه مخفف واژه "شان آویز" است.

اثر انگشت حلقه ای، حلقه ای

loop finger print ,loop

نوعی اثر انگشت که خطوط آن از یک طرف وارد می شود و پس از گردش حول محوری فرضی و عبور از مقابل دلنا از همان طرفی که وارد شده است خارج می شود.

mine

مین

مقداری ماده منفجره یا ماده دیگری که در ظرفی قرار گرفته و برای پانهدام خودروها یا کشتیها یا قایقها یا هواپیماها و ایجاد خسارت به آنها و زخمی کردن افراد طراحی و ساخته شده باشد. توضیح: واژه "مین" مصوب فرهنگستان اول است.

Moored mine

مین مهارشده

مینی که با استفاده از لنگر به کف دریا (در مناطق حساس دریا) مهار شود؛ این مین در عمق متناسب با آب‌خور کشتی‌ها غوطه‌ور است و با برخورد بدنه کشتی به آن منفجر می‌شود.

Napalm bomb

بمب ناپالم

بمبی محتوی نوعی ترکیب مایع (ترجیحاً بنزین با اکتان ۸۰ و یکی از پودرهای ۱م یا ۲م یا ۹م) که پس از پرتاب و برخورد به هدف، ماده ژلاتینی تولید کند و با شعله و حرارت زیاد بسوزد.

Neutron bomb

بمب نوترونی

بمبی که در اثر انفجار سریع، مقادیر زیادی نوترون و مقدار کمی ذرات آلفا و اشعه گاما از آن رها شود.

Notice bomb

بمب اعلامیه‌ای

بمبی حاوی اوراق تبلیغاتی که از هواگرد پرتاب می‌شود.

Overhaul

بازآمد

تعمیر و آماده‌سازی هر وسیله با پیاده کردن قطعات اصلی و فرعی؛ این عمل شامل بازدید و قطعه‌گذاری و تراشکاری و تعمیر موتور است و به سوار کردن و بستن قطعات و بازدید نهایی ختم می‌شود.

Overlap

هم‌پوشانی ، هم‌پوشی

انطباق دو یا چند عکس هوایی که با عکس‌های مجاور خود دارای منطقه مشترک باشند؛ مقدار منطقه مشترک طولی در عکس هوایی معمولاً ۶۰ درصد است.

Para bomb

بمب چتردار

بمبی با تجهیزات ویژه و دارای چتری که پس از پرتاب از هواپیما به طور خودکار باز می‌شود.

Photoflash bomb

بمب درخشی

مواد آتش‌زایی که از هواپیما پرتاب شود و با ایجاد نور زیاد امکان عکس‌برداری در شب را فراهم سازد.

Pancho

باران‌گیر

نوعی بارانی بدون آستین و ضدآب و یکپارچه که دارای شکافی برای عبور سر در وسط آن است.

Practice mine

مین مشقی

نوعی مین آموزشی که به لحاظ اندازه و شکل و وزن مشابه مین جنگی است و ماسوره آن مقدار کمی ماده منفجره کندشکن یا دودزا دارد.

Radar, radio

رادار

سیستمی که در آن از باریکه‌های امواج الکترومغناطیسی با بسامدهای رادیویی بازتابیده از سطح اشیاء برای آشکارسازی آنها استفاده شود.

Range

برد

۱. فاصله افقی بین سلاح و هدف ۲. مسافتی تقریبی که در آن فرستنده رادیو کارایی داشته باشد ۳. اندازه یا مسافتی که محل عملیات یا منطقه چیزی را محدود کند ۴. مسافتی که خودرو بتواند با استفاده از سوختی که در مخزن دارد طی کند.

rescue

نجات

عملیاتی که در آن نیروهای آموزش‌دیده، سانحه‌دیدگان را از وضعیت به وجود آمده به حالت ایمنی و سلامت برسانند.

Scatterable mine

مین پخششی

مینی که بوسیله هواپیما یا بالگرد یا توپخانه یا خودروهای زمینی پخش شود و در زیر خاک قرار داده نشود.

Scatter bomb

بمب پاشان

بمبی با ظرف سبک که ماده آتش‌زا و یک خرج تلاش (خرج متلاشی کننده) پر شود و هنگامی که با چیزی برخورد کند منفجر می‌شود؛ انفجار خرج تلاش ظرف بمب را منفجر و مواد آتش‌زا را در منطقه وسیعی پراکنده می‌کند.

Scenario

رزم‌نامه

ترسیم و تجسم وضعیت‌هایی که دستیابی به هدفهای منظور شده در دستورالعمل تمرینهای تاکتیکی فرمانده را امکان‌پذیر سازد.

Scramble

تندخیزی

برخاستن هواپیما به سریع‌ترین وجه ممکن با هدف رهگیری هوایی که متعاقب آن دستور مأموریت نیز ابلاغ شود.

Site

ایستگاه

محل استقرار مجموعه‌ای از سلاح و جنگ‌افزار و رادار که توان عملیاتی مستقل دارد.

Speed gun

سرعت‌یاب

وسيله‌ای به شکل دوربین فیلم‌برداری یا تیانچه که به صدای موتور و خروجی آگزوز حساس است و با نشانه گرفتن آن به سمت وسیله نقلیه می‌توان سرعت آن را تعیین کرد.

Strategic

راهبردی

مربوط به راهبرد

Strategist

راهبرد شناس ، راهبردار

شخصی که فن و علم توسعه نیروها و منابع نظامی و به‌کارگیری آنها در زمان جنگ، برای تأمین حداکثر منافع ملی و افزایش احتمال پیروزی را می‌داند.

Strategy

راهبرد



۱. فن و علم توسعه نیروها و منابع نظامی و به کارگیری آنها در زمان جنگ تأمین حداکثر منافع ملی و افزایش احتمال پیروزی ۲. برنامه‌ریزی و مدیریت منابع ملی اعم از اقتصادی و سیاسی و نظامی برای دستیابی به حداکثر منافع ملی در زمان صلح و افزایش احتمال پیروزی در زمان جنگ

Tachograph

سرعت‌نگار

دستگاه نصب شده بر روی وسایل نقلیه عمومی مسافربر بین‌شهری، از قبیل اتوبوس و مینی‌بوس و سواری که به وسیله سه سوزن، سرعت و ساعت و مسافت طی شده را بر روی صفحه مدور ثبت می‌کند.

tank

تانک

خودرو زنجیردار زرهی مسلح به توپ و مسلسل

Target

تیرنشان

هدف استاندارد که برای آموزش و تمرین تیراندازی به کار می‌رود.

Time bomb

بمب ساعتی

بمبی که بر اثر اتصال به یک مدار الکتریکی، با ایجاد جرقه از طریق چاشنی، مواد منفجره داخلی آن در زمان معینی منفجر شود.

Training mine

مین آموزشی

مینی شبیه مین جنگی که فاقد ماده منفجره باشد.

Whorl finger print

اثر انگشت پیچشی، پیچشی

نوعی اثر انگشت که حداقل دارای دو دلتاست و در مقابل هر یک از دلتاها حداقل یک خط مدور وجود دارد.

parachute

چتر، چتر نجات

وسیله چترمانندی که از آن برای فرود انسان یا پایین فرستادن بار استفاده شود.

Para glider

چتر بال

چتری که با فشار هوا شکل گیرد و قادر به سریدن و قرارگرفتن در جریانات صعودی هوا باشد و با نیروی حرکت پای انسان به پرواز درآید.

← چتر نجات چتر

Police

پلیس

۱- این واژه در فرهنگ عمید نظم، کاراگاه مطرح شده است.

۲- در نیروهای نظامی سازمان ملل که در سال ۱۹۵۶ میلادی از سربازان برزیل کانادا دانمارک نروژ یوگسلاوی هند تشکیل شد نخستین مأموریت پلیس صلح عزیمت به مصر برای جلوگیری از ادامه جنگ سپاهیان فرانسه انگلستان اسرائیل با نیروهای مصر